

# بیضا همان انشان است

محمد کشاورز

دبیر تاریخ، شیراز

مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو و همچنین پژوهش‌های الیزابت کارتر<sup>۲</sup> و دیگران به این نتیجه منجر شد که ملیان بیضا همان **انشان** یا انزان باستانی است. الیزابت کارتر، در این رابطه می‌نویسد: «در طی حفاری‌های سامنر الواحی متعلق به دوره ایلام میانه کشف شد که نشان می‌دهد ملیان همان انشان باستان، پایتخت مشهور ایلام بوده است.» (Carter, 1996: 12)

با تکیه بر همین داده‌ها و کشفیات باستان‌شناسی، مجید یوسف‌زاده می‌نویسد: «مدارک به‌دست آمده از حفاریات ملیان نشان داده است که این محوطه باستانی در واقع همان شهر باستانی انشان یا انزان یکی از ایالات مهم در دوران‌های اولیه تاریخی بوده است.» (مجیدزاده، ۱۳۶۸: ۱۲۷؛ ارفعی، ۱۳۵۶: ۳۰) نام دوم بیضا، نسا یا نسیاک<sup>۳</sup> بوده است، چنان‌که ابن‌حوقل جغرافی‌دان مسلمان قرن چهارم هجری به آن اشاره نموده است؛ «نام این شهر به فارسی (پهلوی) نسیاک و بزرگی آن حدود اصطخر است.» (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۵۰) در دوره ساسانیان نیز به همین نام خوانده می‌شده است. (گریستن سن، ۱۳۸۰: ۵۹)

بیضا، نامی جدید و متعلق به دوران اسلامی است که نخستین بار در تاریخ طبری به آن برخورد می‌کنیم. (طبری، ۱۳۶۲، ج ۲، ۵۸۱)

## موقعیت اقلیمی و فرهنگی بیضا

ترسیم موقعیت اقلیمی و فرهنگی بیضا در دوره باستان کاری بس دشوار است، با این همه چاره‌ای نیست که با تکیه بر منابع موجود به تصویری هرچند ناقص از آن، در آن روزگار دست یابیم.

بیضای امروز، از نظر تقسیمات کشوری، زیر نظر شهرستان سپیدان است. از لحاظ موقعیت جغرافیایی از شمال به کوه‌های کرونی و بانس، از جنوب شرقی به دشت آهوچر، از شرق به منطقه رامجرد و از مغرب به کوه‌های همایجان و اردکان محدود می‌شود.

وجود دره‌ها و کوه‌های نسبتاً مرتفع از چند جهت

## چکیده

سرزمین فارس خاستگاه نخستین فرهنگ و تمدن ایران باستان و کانون قدرت و حکومت پادشاهان هخامنشی بوده است. در این میان بیضا در نام و نقش شهر انشان (انزان) در عصر هخامنشی و شهر نسا در عصر ساسانی نقشی درخور و قابل تأمل در فعل و انفعالات سیاسی مربوط به شکل‌گیری دو پادشاهی مذکور داشته است. کوروش و برخی از شاهان ماقبل او لقب «شاه انشان» داشته‌اند و قدرت ساسانیان نیز در ارتباطی تنگاتنگ با قدرت سلسله بازرنگی در بیضای آن دوره بوده است. از سوی دیگر موقعیت اقلیمی و فرهنگ بیضا، تأثیر قابل توجهی در پیوند با وقایع و رویدادهای مربوط به آن داشته است. این جستار بر آن است تا با تکیه بر منابع مکتوب و نیز یافته‌های باستان‌شناسی، جایگاه سیاسی بیضا را در شکل‌گیری دو امپراتوری هخامنشی و ساسانی مورد بحث و بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: انشان، نسا، ساسانیان، هخامنشیان، بیضا

## بیضا و نام‌های آن در ایران باستان

سال‌ها قبل از اینکه ویلیام سامنر<sup>۱</sup>، باستان‌شناس آمریکایی، به کشفیات جدید خود درباره هویت و تاریخ باستانی بیضا دست یابد؛ حاج میرزا حسن طبیب فسائی شیرازی (۱۲۳۷-۱۳۱۶ ه.ق) نویسنده عصر ناصری در کتاب خود «فارسانامه» نشانه‌هایی دال بر وجود عمارات و ابنیه‌ای عالی در روستای ملیان بیضا داده بود: «نام قدیمی این بلوک نسیاک بود و نام قصبه آن شهر ملیون که اکنون جای آن شهر را جز اهل بیضا ندانند و در آنجا آجرپاره‌ها که نشان‌آبادی و عمارت عالی‌ه بوده فراوان ریخته است و تاکنون در بعضی از جای‌ها آثار باروی آن شهر باقی است و داخل این شهر را زراعت کنند.» (فسائی، ۱۳۶۷: ۱۲۷۰)

در دههٔ چهل شمسی، تپه‌های اطراف ملیان (نام روستایی در مرکز بیضا) توجه ویلیام سامنر را به خود جلب نمود. سامنر طی خاک‌برداری و حفاری تپه‌ها به آجرهایی کتیبه‌دار دست یافت. فعالیت‌های او و خوانده شدن کتیبه‌ها توسط اریک راینر<sup>۲</sup> از



سیاسی و به تبع آن، از اعتلای فرهنگی برخوردار بوده است.

همزمان با نضج و شکل‌گیری قدرت ساسانیان و همچنین مجاورت و نزدیکی بیضا (نسا) به مراکز مذهبی، ابنیه و عمارت‌هایی چون معبد آناهیتا در اصطخر فارس، تخت جمشید و حضور سلسله آل بازرنگی در منطقه، به نظر می‌رسد در این دوره از رونق و شکوفایی برخوردار بوده است.

مسعودی که خرابه‌های آتشگاه معبد آناهیتا را از نزدیک مشاهده نموده است، حیرت و شگفتی خود را این‌گونه ابراز می‌نماید: «بنایی عجیب و معبدی بزرگ است و ستون‌های سنگی شگفت‌انگیز، سرستون، مجسمه‌های سنگی زیبا از اسب و حیوانات تنومندی دارد، و تصویر اشخاص را با نهایت دقت تراشیده‌اند و به پندار کسانی که مجاور آنجا هستند تصویر پیامبران است...» (مسعودی، ۱۳۴۴: ۶۰۵)

بنابراین دور از ذهن نیست که وجود معبد آناهیتا در استخر و وصلت ساسانیان با سلسله آل بازرنگی، تحرک فرهنگی قابل توجهی به وجود آورده باشد.

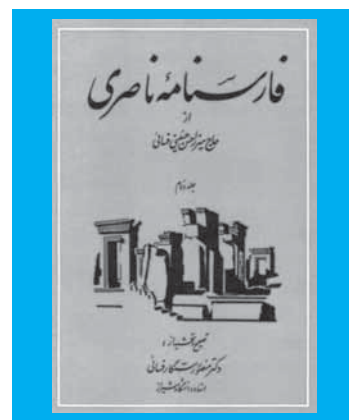
### نقش بیضا در شکل‌گیری امپراتوری هخامنشی

بسیاری از شاهان اولیه هخامنشی پادشاهی اتران (انشان) را داشته‌اند. پیش‌پیش<sup>۱</sup> (۶۷۵-۶۴۰ ق.م) پسر هخامنش، کمبوجیه اول و کوروش دوم عنوان شاه‌انشان داشته‌اند، با این همه مکان و موقعیت انشان تا مدت‌ها برای محققان و مورخان ناشناخته یا بر اشتباه استوار بود. حتی گیرشمن به علت فقدان مدارک و منابع معتبر دچار اشتباه شده و انشان را شهر مسجد سلیمان کنونی معرفی کرده است. (گیرشمن، ۱۳۴۶: ۱۲۹)

زرین کوب نیز، به علت عدم اطلاع از موقعیت و مکان دقیق انشان، با تردید، می‌نویسد: «در باب محل انشان البته اختلاف است و ظاهراً باید در دره کرخه و در شمال غربی شوش بوده باشد و حتی بعضی آن را در حدود دره دشت در جلگه

چراگاه شش ماه از سال اسب‌های دیوانی و توپخانه شیراز است؛ چمن و مرغ آن از زانو بگذرد...» (فسایی، ۱۳۶۷: ۱۱۳)

اشاره به مرغزار و پرورش اسب‌ها در آن می‌تواند، حاکی از اهمیت پرورش اسب در گذشته‌های دور آن باشد. بنابراین داده‌ها



### بیضای امروز، از نظر تقسیمات کشوری، زیر نظر شهرستان سپیدان است. از لحاظ موقعیت جغرافیایی از شمال به کوه‌های کرونی و بانس، از جنوب شرقی به دشت آهوچر، از شرق به منطقه رامجرد و از مغرب به کوه‌های همایجان و اردکان محدود می‌شود

و اطلاعات مذکور، هرچند متعلق و نوشته شده در دوران اسلامی است، ولی می‌توان استنباط نمود که بیضا در دوران باستان از پتانسیل و قابلیت‌های بالقوه اقلیمی و جغرافیایی بالایی برخوردار بوده است. وجود کوه‌ها، دره‌ها، مرغزارها و قلعه‌ها، موقعیت مناسب زیستی، دفاعی و تدافعی به منطقه بخشیده است.

### موقعیت فرهنگی بیضا در گذشته

متأسفانه اطلاعات ما در این باره بسیار اندک است. نظام‌التواریخ سابقه و پیدایش بیضا را به دوره اساطیری نسبت می‌دهد: «از آثار گشتاسب، بیضاست.» (بیضاوی، ۱۳۱۳: ۱۹)

به نظر می‌رسد در دوره عیلامی‌ها، مادها و هخامنشی‌ها و با توجه به الواح عیلامی کشف‌شده و متناسب بودن شاهان اولیه هخامنشی به انشان بیضا، منطقه از اعتلای

به‌مثابه دیوار و سپری غیرقابل نفوذ منطقه را احاطه نموده است. شاید از این‌روست که اصطخری جغرافی‌دان و جغرافی‌نویس قرن چهارم هجری، در اهمیت مکانی آن می‌نویسد: «اردو و نقطه اتکای مسلمانان در فتح اصطخر همین موضع بوده است» (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۱۶ و ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۵۰)

ابن‌حوقل می‌نویسد: «شهر بیضا بزرگ‌ترین ولایت اصطخر است و این نام به سبب داشتن قلعه‌ای سفید می‌باشد که می‌درخشد و سفیدی آن از جاده‌های دور نیز به چشم می‌خورد. (همان: ۵۰)

در خصوص وضعیت آب‌وهوا، میوه‌ها و همچنین وجود مرغزارها، چشمه‌سارها و آب‌های روان آن که از دیرباز تا امروز آثار آن در زندگی مردم منطقه مشاهده می‌شود. ابن‌بلخی در فارس‌نامه می‌نویسد: «ترتیب

آن سپید است و از این جهت آن را بیضا گویند و مرغزاری است بر در بیضا، طول آن ده فرسنگ در عرض [نیز] ده فرسنگ، چنان‌که مانند ندارد. در آن ولایت و نواحی بسیار دارد و میوه‌ها نیکو باشد از هر نوع، و هوای آن سردسیر معتدل است و آب‌های روان خوش دارد و جامع و معتبر است...» (ابن‌بلخی، ۱۳۴۳: ۱۶۱ و ۱۶۲)

میرزا حسن فسایی نیز در فارس‌نامه می‌آورد: «بیضا... هوای آن سرد و مایل به اعتدال است و عموم کشت آن گندم و جو و شلتوک و پنبه و کنجد و کرچک، و در بعضی دهات آن زراعت خشخاش دارند. شکار آن بز و پازن و قوچ و میش کوهی، کبک و تیهو و در زمستان مرغابی است، آبش از چشمه و بعضی از قنات، و در جانب جنوب و مشرق این بلوک مرغزاری است مشهور به «قرق بیضاء» به مساحت سه فرسخ درازا و نزدیک به فرسخی پهنا،





ارگبندی (قلعه‌بانی) داربگرد به اردشیر ساسانی، ناخواسته، اساس اضمحلال خود و شکل‌گیری یکی از بزرگ‌ترین سلسله‌های جهان باستان را بنا نهاد.

افزون بر این‌ها، به‌نظر می‌رسد که بیضا در دوره باستان (خصوصاً دو دوره مذکور) از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بالایی برخوردار بوده است. وجود کوه‌ها، دره‌ها از چند جهت (شمال، جنوب، غرب) به‌مثابه دژهایی طبیعی عمل می‌نموده است. علاوه بر این، وجود مرغزار، چشمه‌ها و خاک حاصلخیز آن، شرایط زیستی مناسبی برای اهالی آن رقم زده که آثار آن تاکنون مشاهده می‌شود. توصیف مسعودی از معبد آناهیتا و مجسمه‌های اسب سنگی آن، می‌تواند دال بر وجود گله‌های اسب در مرغزارهای آن باشد.

گذشته از این، مجاورت و نزدیکی بیضا به مراکز کانون‌های فرهنگی، ابنیه سیاسی چون تخت‌جمشید و معبد آناهیتا دلیلی دیگر بر جایگاه مهم این شهر در آن روزگار است.

از این‌گونه بگذشت سالی دوپست تو گفتی که اندر جهان شاه نیست (فردوسی، ۱۳۱۴، ج ۷ و ۹: ۱۹۲۳)

### نتیجه

همزمان با تکوین قدرت هخامنشیان، بیضا در نام و نقش انشان (انزان) از تحرک سیاسی، رونق اقتصادی و شهرنشینی بالایی برخوردار بوده است. فرمانروایان محلی و شاهان بزرگ هخامنشی چون: چیش‌پیش، کمبوجیه اول و کوروش بزرگ، توانستند از این منطقه، پایه‌های یکی از امپراتوری‌های بزرگ، جهان باستان را پی‌ریزی نمایند.

بیضا در اواخر دوره اشکانی، با نام شهر نسا و برخوردار از حضور سلسله بازرنگی، نقش مهمی در شکل‌گیری سلسله ساسانی ایفا نمود. ساسان، سردودمان ساسانیان، متولی معبد آناهیتا در اصرخر فارس، با وصلت با خاندان آل بازرنگی توانست قدرت روحانی خود را با قدرت سیاسی ارتقا ببخشد. گوچه‌بازرنگی در نقش شاهی فراملحی و با واگذاری و تعویض مقام عالی نظامی

صیمره نشان داده‌اند. البته بعضی نیز آن را در حدود پاسارگاد پنداشته‌اند و از متون عیلامی هم تاکنون سندی که بتواند محل دقیق انشان را تعیین کند به‌دست نیامده است. (زرین کوب، ۱۳۸۰: ۹۷)

پیر بریان در کتاب تاریخ هخامنشی به واقع بودن انزان در بیضا اذعان دارد و می‌نویسد: «در خود جایگاه اصلی انشان (تل ملیان) الواح متعلق به پایان هزاره دوم کشف شده است.» و یا نقل قول مجیدزاده از ارفعی، عیلام‌شناس برجسته؛ «به اعتقاد دکتر ارفعی از آن رو که هوهنور (نام عیلامی و به احتمال فلهیان ممسنی) کلید انشان خوانده شد و امروز محل انشان مشخص است (تل ملیان در بیضا) پس هوهنور نمی‌تواند در کوه‌های بختیاری باشد.» (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۳۳)

با توجه به مطالب یاد شده و همچنین اوضاع اقلیمی و جغرافیایی بیضا، می‌توان استنباط نمود که انشان نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری امپراتوری هخامنشیان داشته است و شاهان اولیه هخامنشی توانستند از این منطقه، پایه‌های یکی از امپراتوری‌های بزرگ جهان باستان را پی‌ریزی نمایند.

### پی‌نوشت‌ها

1. William Sumner
2. Erice Reiner
3. Elizabet Carter
4. nisa/misayak
5. telispes

### منابع

۱. ابن‌بلخی؛ **فارسانامه**، به کوشش علی نقی بهروزی، شیراز: اتحادیه مطبوعاتی فارس، ۱۳۴۳.
۲. ابن‌حوقل؛ **سفرنامه این حوقل** (ایران در صورالارض)، جلد دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶.
۳. اصطخری؛ **مسالک و ممالک**، به اهتمام ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
۴. ارفعی، عبدالمجید؛ **فرمان کوروش بزرگ**، تهران: فرهنگستان هنر و ادب ایران، ۱۳۵۶.
۵. بیضای، قاضی؛ **نظام‌التواریخ**، به تصحیح بهمن کریمی، تهران: کتابخانه علمی، ۱۳۱۳.
۶. فسایی، حاج‌میرزا حسن؛ **فارسانامه ناصری**، تصحیح و تحشیه دکتر منصور رستگار فسایی، ج اول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۷. حمزه اصفهانی؛ **تاریخ پیامبران و شاهان** (سنی ملوک‌الارض و الانبیا)، ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.
۸. زرین کوب، عبدالحسین؛ **تاریخ مردم ایران**، جلد اول، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۸۰.
۹. طبری، ابوجعفر محمدبن جریر بن زبده؛ **تاریخ طبری** (تاریخ الامم و الملوک)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، ۱۳۶۲.
۱۰. کریستین سن، آرتور؛ **ایران در زمان ساسانیان**، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۱۱. گبرشمن، رومن؛ **ایران از آغاز تا اسلام**، ترجمه محمد معین، تهران: امیرکبیر، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۹.
۱۲. مجیدزاده، یوسف؛ **آغاز شهرنشینی در ایران**، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸.
۱۳. مسعودی، ابوالحسن علی‌بن حسین؛ **مروج الذهب و معادن الجواهر**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.
۱۴. فردوسی، ابوالقاسم؛ **شاهنامه**، با حواشی سعید نفیسی، تهران: ج بروخیم، ۱۳۱۴.

15. Carter, Elizabeth 1996 excavation at Anshan (tal-e malyan): the middle Elamite period Malyan excavation reports II, Philadelphia: the university of Pennsylvania museum of archaeology and anthropology.

### نقش بیضا در شکل‌گیری امپراتوری ساسانی

ایران در عصر سلسله ساسانیان یکی از امپراتوری‌های بزرگ عهد باستان به‌شمار می‌رفت. این سلسله بین سال‌های ۲۲۶-۶۵۲ میلادی بر بخش پهناوری از جهان آن روز که از حدود رود فرات در غرب ایران تا رود جیحون و تا دره کابل در شرق امتداد داشت حکومت می‌کردند.

تا قبل از تأسیس سلسله ساسانی، اشکانیان به شیوه «ملوک‌الطوایفی» بر ایران فرمانروایی می‌نمودند. (حمزه اصفهانی، ۱۳۴۶: ۱۷) در شاهنامه فردوسی درباره اشکانیان مطلبی جز چند بیت نیامده که از جمله این چند بیت است:

بزرگان که از تخم آرش بدند  
دلیر و سبکبار و سرکش بدند  
چو بر تختشان شاد بنشاندند  
ملوک طوایف همی خواندند

